

دانشگاه طبرستان جدید در ایران

محمدعلی علایی



۱۳۹۷

مفروشگاه سه: خیابان کارگر شمالی، روبه‌روی پارک لاله، نبش کوچه ستاره، نمایشگاه و فروشگاه محصولات فرهنگی سازمان تأمین اجتماعی، پلاک ۱

فهرست مطالب

مقدمه یازده

داستان ایرانی چیست ۱

طنز دوره قاجار ۷

از رمان سرگذشت حاجی بابای اصفهانی (ترجمه میرزا حبیب اصفهانی) ۷

شرح و بررسی ۱۹

سفرنامه ابراهیم بیگ (زین العابدین مراغه‌ای) به کوشن (نابجوری) ۲۴

شرح و بررسی ۶۰

سخن آخر ۷۷

طنز عصر مشروطه ۱۰۰

مقدمه‌ای بر داستان طنز دوره مشروطه ۱۰۱

مشروطه (جلیل محمدقلی‌زاده (ملانصرالدین)؛ ترجمه کریم کشاورز) ۸۴

شرح و بررسی ۱۰۱

نامه‌ای از پیغمبر دزدان به محمدتقی‌خان قاجار (محمد ابراهیم باستانی پاریزی) ۱۰۴

شرح و بررسی ۱۱۱

- ۱۱۹ چرند و پرند، مقاله «اکنونومی پلیتیک»
- ۱۲۲ درباره مقاله «اکنونومی پلیتیک»
- ۱۲۵ ویلان الدوله (سید محمد علی جمال زاده)
- ۱۳۰ به بهانه ویلان الدوله، شرح و بررسی
- ۱۳۸ روزنامه سفر میمنت اثر به ممالک متفرقه امریق (احمد شاملو)
- ۱۵۶ شرح و بررسی سفر میمنت اثر
- ۱۶۱ مقدمه ای بر طنز دوره پهلوی
- ۱۶۱ طنز در دوره پهلوی اول
- ۱۶۳ نثر پرمهر (صادق هدایت)
- ۱۸۶ شرح و بررسی
- ۱۹۲ نشان علمی فیاض مستان (ابوالقاسم پاینده)
- ۲۰۱ شرح و بررسی
- ۲۰۳ تجهیز ملت (جلال آل احمد)
- ۲۱۳ شرح و بررسی
- ۲۱۵ دایی جان ناپلئون (ایرج پزشک زاده)
- ۲۴۸ شرح و بررسی
- ۲۵۱ سروان امریکایی و سرهنگ ایرانی (رضا برهنی)
- ۲۷۸ شرح و بررسی
- ۲۹۰ طنز در دوره پهلوی دوم
- ۲۹۰ دمب گربه (عباس توفیق)
- ۲۹۵ شرح و بررسی
- ۲۹۸ یک کلمه (کیمرث صابری)
- ۳۰۱ شرح و بررسی
- ۳۰۳ انفصال ابد (محمد علی افراشته)
- ۳۰۷ شرح و بررسی

فهرست مطالب / نه

۳۰۸	انیس (سیمین دانشور)
۳۲۷	شرح و بررسی
۳۳۰	تقویم عوضی (رسول پرویزی)
۳۳۸	شرح و بررسی
۳۴۰	یک روز بهاری (عمران صلاحی)
۳۴۲	شرح و بررسی
۳۴۴	مردی با کراوات سرخ (موشنگ گلشیری)
۳۶۳	شرح و بررسی
۳۶۸	مبارزه با شب (فریدون تنکابنی)
۳۸۰	شرح و بررسی
۳۸۲	در خلوت خانه (راد مجانی)
۳۹۳	شرح و بررسی
۳۹۷	شب نشینی باشکوه (عمر محسن اعدی)
۴۱۱	شرح و بررسی
۴۱۳	زنجیر (بهرام صادقی)
۴۲۶	شرح و بررسی
۴۳۳	طنز کودک و نوجوان
۴۳۳	ناظم (موشنگ مرادی کرمانی)
۴۶	شرح و بررسی
۴۵۵	بی (علی اشرف درویشان)
۴۷۵	شرح بر طنز سیاه در نثر نالیسم ایرانی درویشان
۴۸۰	داستان های صمد بهرنگی
۴۸۱	نمونه های طنز آشکار در داستان های صمد بهرنگی
۴۹۱	طنز پنهان

مقدمه

هزل تعلیم است، آن را جد شنو
تو مشو بر ظاهر هزلش گرو
مولانا

تعریف «طنز» در ادبیات ایران و جهان تعریف جدیدی است. قبل از آن، طنزنویسان خود را «فکاهی» نویس می‌گفتند. نشریات طنز نیز با عنوان مجله‌های فکاهی منتشر می‌شد. مثلاً نشریه طنز رفیق بر این یقین بود که نشریه‌ای فکاهی است.

به طرز بدیهی، در داوری‌ها و سنجش‌های فرهنگی عام و خاص، فکاهی در برابر «جد» قرار می‌گرفت. به تریق اولی فکاهی‌نویسان و همچنین نشریه‌های فکاهی در تقابل با نویسندگان و مجله‌های به اصطلاح جدی واقع می‌شدند و سنگینی کفه داری البته، علیه فکاهی و له جد بود.

در دوران قدیم‌تر «هزل» و «هجو» داشته‌ایم که به قول استاد عمران صلاحی، هجو صورت ابتدایی طنز و هزل شکل اولیه‌ای از فکاهی است؛ حتی در همان دوران کهن و مثلاً در نظر فیلسوف برجسته و نظریه‌پرداز بزرگ ادبیات در جهان باستان، یعنی ارسطو، باز هم «کمدی»

یا شکل نمایشی طنز مقامی نازل تر از «تراژدی» دارد. کم بودند بزرگانی نظیر مولانا که با آن دقت نظر بگویند: «هزل جد است». گذشتگان عبید زاکانی را هجاگو می شمردند، اما امروز و با دانش جدید است که آن استاد را در بعضی آثارش طنزنویسی اجتماعی می دانیم که از روان شناسی اجتماعی قشرهای مختلف جامعه بهره می جسته و کارش را به خوبی اجرا می کرده است.

هنر و ادبیات میهن ما به سبب سابقه قدیم و قوی تمدن و فرهنگ، در عرصه های مختلف ادبیات و از آن جمله در ساحت دشوار طنز آثاری ماندگار خلق کرده است؛ آن طور که به طرزی حیرت آور و درخور تحسین قرن ها قبل از میلاد و در گات های اوستا، که هم دوره با «ودا»ها و از جمله کتاب های عبر بشر است، با رگه هایی از طنز مواجه می شویم که رویکردی است بسیار دارد و با کارکرد آن در مفهوم نقد اجتماعی و سیاسی متفاوت است. بخش بسیار کهن یشت هائیز با انواعی از طنز و نقد اندیشه و کسار و کردار و یوهای آدمی و نظیر افراسیاب و... روبه روییم که مثلاً با طنز اجتماعی و طنز عبارت، نه تنها افراسیاب به مثابه مظهر ستم تورانیان نقد می شود بلکه حتی هجو می گردد. این رویکردهای متفاوت طنز بعدها در آثار حکایه مانند مولانا، سعدی، حافظ، عطار، خیام، و دیگر بزرگان تداوم می یابد.

طنز جدید ایران از همان آغاز در دوران مشروط به مثابه سلاحی معنوی علیه جور سلاطین و حکام و جهل عام به کار می رفت و در دست بزرگانی همچون دهخدا و سید اشرف الدین حسینی و جلیل محمداوند و... بیشتر ابزاری بود برای نقد اجتماع و سیاست. این شیوه، روش غالب طنز جدید، با افت و خیزهایی همراه شد، اما طنزنویسان اندکی نیز بودند که رویکردهای خیام و عطار و مولانا را در طنز پی گرفتند و کلیت هستی و جایگاه انسان را مطرح کردند، مانند داستان زنجیر از شادروان بهرام صادقی یا داستانی از جواد مجابی که در آن معلمی ساده به نام

تیمور خود را مانند تیمور لنگ می داند و مرتکب قتل دختری می شود که دانش آموزش بوده است. می بینید که درهم آمیختگی ترس و طنز اثری جذاب را خلق می کند که با طنزهای بی مایه بسیار متفاوت است.

استاد همه ما، عمران صلاحی، به من فرمودند که بر طنز و آثار طنز نقد بنویسم. ایشان معتقد بودند که در ایران، همه و حتی جماعت اهل کتاب (کتاب خوان!) تصورشان از اثر طنز متنی است که با مطالعه اش آدم قافیه به خنده می افتد و نظایر چنین تصویری که اگرچه اشتباه نیست، کامل هم نیست.

پس این نوع مخاطب تا چه حد حیرت زده می شود وقتی که بفهمد در ادبیات ایران، نویسنده کرگدن، اثر اوژن یونسکو، نوع خاصی از طنز یعنی طنز سیاه است. او همین مخاطب فرضی چقدر حیرت زده می شود آنگاه که ببیند داستان نجیر، از شادروان بهرام صادقی، از هر نظر (ساخت و پرداخت و محتوا) بالاتر و برتر از کرگدن یونسکو است. نخست، داستان کرگدن حامی و حاوی نهی مستتر از نژادپرستی است؛ به این ترتیب که کرگدنی آسیایی یا آفریقایی به شهری تروتمیز در اروپا حمله ور می شود و بر اروپایی های متمدن و با فرهنگ تأثیر می گذارد، طوری که همه شان کرگدن می گردند و زشتی آن از میان می رود.

نمی خواهم، به اصطلاح، مته به خشخاش بدارم، ما این پرسشی است سزاوار و بجا که چرا یوزپلنگ امریکایی یا خرسی از جنگل سیاه آلمان و... نیست؛ بلکه کرگدنی از آفریقا یا آسیاست؟!

اوژن یونسکو این داستان و نمایش را معادل و بیانی نمادین از گسترش فاشیسم در اروپا معرفی کرده است؛ یعنی آیا منظور استاد هجوم به اصطلاح بربریت، به تمدن و فرهنگ اروپایی است؟

هیتلر و هس و گوبلز و گورینگ و فاشیست های آلمانی و موسولینی ایتالیایی و ژنرال فرانکو، همه، اروپایی بودند، آن هم نمایندگان بربریت ناب و حافظ برتری نژادی. این موضوع به قاره قدیم آسیا و آفریقا با

تمدن‌ها و فرهنگ‌های بزرگ و کهن در ایران، هند، چین، بین‌النهرین، مصر، و... ربطی ندارد.

دوم، حضور کرگدن و هجوم آن به شهری اروپایی، با امر واقع در تضاد شدید است؛ هر چند «نماد» باشد. به هر حال، به مثابه موضوعی مع الفارق در ساخت و پرداخت متن قرار نمی‌گیرد و همچون وصله‌ای ناجور با ذوق سلیم مطابقت ندارد؛ در حالی که هم نمادهای داستان زنجیر و هم بینش انسانی آن و ساخت و پرداخت و واقع‌نمایی موضوع داستانی در پرداخت کنایه‌ها و حتی نمادها، از هر لحاظ، بسیار قوی‌تر از کرگدن است. اما افسوس که نام این نویسنده بهرام صادقی است و در مورد سبب‌های مرتبط با جنگ سرد دخالتی نداشت و نام دیگری یونسکر است که در زمینه جنگ سرد، ضد شوروی سابق و موافق با زمینه ناتو سرگدنش را به میدان فرستاد و در نظر عده‌ای از هم‌وطنان ما: مرغ همسایه غاز است.

بیشتر مردم ایران در آن عمل به‌عضی از هنرمندان و ادیبان ما، که تافته جدا بافته‌ای از دیگران نیستند، بنا به اصطلاح مشهور «نخوانده»، ملایند! آمار مطالعه در ایران و در مقایسه‌ای جهانی و حتی منطقه‌ای بسیار کم است. با این همه بسیاری، بر اساس شش‌ده‌های تکه‌پاره، خود را علامه دهر می‌دانند؛ مثلاً هر راننده زحمت کش تا کسی به طرزی اعجاب‌آور و در ده دقیقه تمام مسائل پیچیده سیاسی و اقتصادی جهان را توضیح و راه‌حل ارائه می‌دهد؛ درباره فیزیک، که انتم هم کم نمی‌آورد. کتاب‌خوان ما نیز همین‌طور است: نسبت این‌ها نیز در ده می‌کند و قس علی‌هذا. به این ترتیب و به طرزی بدیهی و بر اساس توهم نبوغ مردم کوچه و بازار و شماری از هنرمندان و کتاب‌خوان‌ها خود را حتی محتاج آموختن نمی‌دانند. پول نفت هست و همان‌طور که پول می‌دهیم و اجناس ساخته دیگران را مصرف می‌کنیم، در قلمرو نظر و اندیشه نیز، دوسه ترجمه ناقص (ترجمه خوب هم هست، اما کم)

از نظریات ادبی دیگران را می‌خوریم (ببخشید! می‌خواستم بگویم: می‌خوانیم) و بعد، با دانش ناقص خود، در میان جماعتی از عمه‌جان‌ها و خاله‌جان‌ها و خان‌عموهایی که هرگز چیزی نخوانده‌اند مگر شاید پاورقی‌های مجله‌های خانوادگی ما دچار توهم نبوغ می‌شویم؛ زیرا آن‌ها نمی‌دانند و ما می‌دانیم که «میلان کوندرا» در چه سالی متولد شده است. بعد خود را محتاج مطالعه مکرر و پژوهش و شناخت مبانی ادبی و تسلط بر آن‌ها نمی‌دانیم. مگر نه اینکه میلان کوندرا همه چیز را گفته است؟

اگر جموعی منسجم از آثار طنزنویسان دوره مشروطه را همراه با بررسی و دسترس داشتیم، آنگاه کار برای هنرجویان طنز و دانشجویان ادبیات و سینما و تئاتر و حتی برای جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان بسیار راحت‌تر از اکنون می‌بود. حال اگر دانشجویان هنرمندی علاقه‌مند و دلسوز و جرات‌مند پیدا شود که بخواهد بنا به ضرورت درس یا کار هنری، در سینما و نمایش، داستان، تصویر و تصویری طنزآمیز از دوره تباه و سیاه قاجاریه نشان دهد ناگزیر است ده‌ها کتاب یا نشریه پراکنده را با سردرگمی ورق ببرد و تازه این‌ها را برجا می‌ماند که مثلاً طنز دهخدا با طنز مرحوم جلیل محمدوفی‌زاد و آثار طنز دیگری چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد. همین مسئله درباره طنز در حکومت پهلوی نیز صدق می‌کند.

در اینجا، برخلاف گذشتگان، کار را به گردآوری آثار طنز منحصر نکرده‌ام؛ بلکه بر هر داستان شرحی نوشته‌ام تا مخاطب بداند که به چه می‌خندد (محتوا) و چرا می‌خندد (ساختار)، اما طنز انواعی دارد: از طنز اجتماعی تا طنز فلسفی. در ساخت آثار هم طنز آشکار داریم و طنز پنهان.

از دیگر سو، در انتخاب آثار، داستان‌هایی را برگزیدم که از وضع تاریخی و اجتماعی و فرهنگی در هر دوره تصویری واقعی ایجاد می‌کند.